

دانشگاه
فنی

ویژه‌نامه به مناسبت روز دانشجو ...

پای درس دانشجو

۴

امیرحسین ثابتی
فعال سابق دانشجویی



تشکل‌ها به دنبال مطالبه تخصصی باشند

در رابطه با بررسی جنبش دانشجویی در شرایط فعلی و اینکه نگاهش به آینده چگونه باشد، ما باید تغییر و تحولات تاریخ جنبش دانشجویی را بازخوانی کنیم. وقتی به فضای قبل از انقلاب نگاه می‌کنیم می‌بینیم که اصلی‌ترین شاخص جریان‌های دانشجویی - چه جریان‌های چپ، چه جریان‌های مسلمان، و چه جریان‌های ملی و مایل به لیبرال - این بوده که بالاخره کم یا زیاد با نظم موجود و با سلطنت پهلوی مخالفت داشتند. البته لیبرال‌ها در برخی موارد سازش هم داشتند، اما جریان‌های چپ و اسلامی یک تضاد بسیار بزرگ و ریشه‌ای را با سیستم دارا بودند و اگر بخواهیم خلاصه بگوییم، براندازی پهلوی و بر هم زدن نظم موجود نقطه‌ی کانونی و هدف اصلی جریان‌های دانشجویی به طور عمده در سال‌های قبل انقلاب بوده است. این یعنی یک رویکرد سلبی و تلاش برای نه گفتن به وضع موجود و تلاش برای بر هم زدن این نظم.

بعد از انقلاب عملاً این مسئله یک حالت معکوس پیدا می‌کند؛ اگر توجه کنیم می‌بینیم که همان دانشجویان مسلمانی که قبل انقلاب دستگیر و شکنجه می‌شدند و در دانشگاه علیه رژیم پهلوی تظاهرات برگزار می‌کردند، بعد از سال ۵۷ به اصلی‌ترین جریان‌های حامی نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی تبدیل می‌شوند...

ادامه در صفحه

۳

مسعود براتی

دبیر اسبق جنبش عدالت‌خواه دانشجویی

جنبش دانشجویی خود را احیا کند

۲

حمزه دستیار

فعال سابق جنبش دانشجویی

رویارویی جنبش دانشجویی با دولت سیزدهم

۶

مهدي دهقان

دبیر سرویس زبان خبرنامه دانشجویان ایران

چالش‌های دختران در تشکیلات دانشجویی

۷

مهدي تورانلو

مسئول هیئت دانشجویی سنیاق الشیما

هیئت دانشجویی علمی، اصولی و مبنایی

۸

محمدرضا محمدی

عضو سابق شورای ناظر بر نشریات وزارت علوم

نشریات دانشجویی محل تولید فکر در تشکیلات

۹





کشنگو با مسعود برائتی پیرامون عدالت در جنبش دانشجویی؟

جنبش دانشجویی خود را احیا کند



مسلم خلخال

نمی شود ردپایی از جریانات دانشجویی وجود داشته باشد و گزاره «عدالت» در آن دیده نشود. گزاره ای که «چپ» و «راست» نمیشناسد و هر جریان فکری بر طبق «روایت» خود آن را تفسیر می کند. البته این «اصل» گرچه موضوع ثابت

و بدون اینکه برای آن مهم باشد که مصداق آنچه پیگیری می کند چه کسی و متعلق به چه جناحی است، آن را به صورت مستمر دنبال کند، این یک عدالتخواهی اصیل است. البته عدالتخواهی مبانی دارد، چارچوب و اصول پایه‌ای دارد که باید مورد توجه قرار گرفته شود. برای مثال در جنبش عدالتخواه دانشجویی چارچوب اصلی عدالتخواهی برآمده از گفتمان حضرت امام (ره) و گفتمان رهبر انقلاب بوده و سال‌ها این مسیر بدون توجه به اینکه مصداق موضوع چه کسی و متعلق به چه گروهی بوده است، دنبال شده است. به صورت کلی وجه تمایز در این دو مسئله است؛ ابتدا داشتن مبانی روشن و سپس پیگیری بدون توجه به اینکه آن مصداق به چه گروهی برخورد می کند و چه گروهی را هدف قرار می دهد.

۳- با توجه به تاکید مکرر رهبر انقلاب نسبت به فاصله زیاد عدالت با وضع مطلوب نقش جنبش دانشجویی در پیگیری تحقق عدالت و رفع تبعیضات چیست؟

این واقعیت که عدالت در کشور شایسته نیست و مصداق‌های عدالتخواهی وجود داشته و توسط جریان‌های سیاسی دنبال می‌شد و هدف آنها تأمین مقاصد سیاسی بود. برای مثال افشاگری‌هایی که انجام می‌شد یا آشکار کردن فسادهایی از جریان رقیب؛

آنچه که وجه تمایز یک حرکت اصیل عدالتخواهی با حرکت سیاسی دارای رنگ و بوی عدالتخواهانه است، مسئله محوری و پیگیری مستمر عدالت توسط آن گروه است. اگر یک گروهی به صورت پیوسته

کسی مدعی جنبش دانشجویی باشد، اما این ممیزات را نداشته باشد، صادق نیست.» بر اساس همین «ممیزات» بهانه ای شد به سراغ دبیر سابق جنبش عدالتخواه دانشجویی برویم. او در این گفتگو از وضعیت عدالتخواهی در جنبش دانشجویی می گوید، این فعال سابق دانشجویی معتقد است مسئله عدالت کشور به رسمیت شناخته نشده است و گام اول

عمل کند می‌تواند در بحث تحقق عدالت و رفع تبعیض موثر باشد. محافظه‌کار نبودن هم عنصر مهمی است؛ چون محافظه‌کاری باعث می‌شود که خیلی موثر و قاطع نباشد. محافظه‌کاری برای جریان عدالتخواهی یک سم است و دانشجویان باید مراقب این نیز باشند.

۴- نظر شما درباره عدالت ساختاری و عدالت مصادیقی چیست؟ و جنبش دانشجویی در ورود به کدام یک از عدالت یعنی ساختاری یا مصادیقی موفق تر عمل کرده و می‌تواند عمل کند؟

اینکه عدالتخواهی را به ساختاری و مصادیقی دسته‌بندی شود درست نیست، زیرا می‌تواند هر کسی را به اشتباه بیندازد. آن چیزی که در قضیه‌ی عدالتخواهی ناپسند است و از سوی رهبر انقلاب هم توصیه شده که سمت این نوع عدالتخواهی نرود، درگیر نشدن در مواردی که مربوط به افراد است

و احتمال خطا و اشتباه در آن زیاد است؛ به این معنا که اگر درباره‌ی فساد یا عدم فساد برخی افراد درگیری به وجود بیاید (که اتفاقا بسیار مورد استفاده‌ی گروه‌های سیاسی قرار می‌گیرد) این یک نوع عدالتخواهی ناپسند است زیرا منجر به انحراف موضوع و به حاشیه رفتن حرکت عدالتخواهی می‌شود. اما اینکه به طور کلی گفته شود عدالتخواهی مصادیقی و ساختاری، این به اشتباه می‌اندازد؛ چون عدالت ناظر به مسائل واقعی دنبال می‌شود و درباره‌ی مصادیق صحبت می‌کنیم. مصادیق لزوماً افراد نیستند؛ درباره‌ی عملکرد یک سازمان و یک نهاد حرف زدن هم عدالتخواهی است. مثلا وقتی درباره‌ی کارتن‌خواب‌ها صحبت می‌کنیم به صورت مصادیقی درباره عملکرد سازمان‌های مرتبط هم صحبت می‌کنیم. و نه الزاما مسائل شخصی آدم‌ها. لذا این



تشکل‌ها به دنبال مطالبه تخصصی باشند



امیرحسین ثابتی

فعال سابق دانشجویی

ادامه مطلب ...

و بعدا هم از طرف امام تشویق می‌شوند. یا اتفاقی مثل انقلاب فرهنگی، که شاید اهمیتش کمتر از تسخیر لانه‌ی جاسوسی نبود. اقدامی که در آن دانشجویان تلاش می‌کنند تا به فضای آلوده و نامناسبی که دانشگاه از جهت‌های زیادی دچارش بوده، با تعطیلی دانشگاه و تصفیه‌ی اساتید ضدانقلاب و برخی دانشجویان در این مدت تعطیلی رسیدگی کنند و فضای جدیدی را ایجاد نمایند.

اقدامات سلبی دیگر جایگو نیست

اتفاقاتی هم در دهه‌ی ۷۰ می‌افتد؛ از جمله ماجراهای مربوط به دوران دولت آقای خاتمی و وروداد کوی دانشگاه و همچنین روند تغییرات دفتر تحکیم وحدت. در برابر تحکیم وحدت به تدریج تشکل‌های دیگری شکل می‌گیرد مانند بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی، جنبش عدالتخواه دانشجویی و یا انجمن اسلامی دانشجویان مستقل.

تجربه‌ی این دگرگونی‌ها در چهار دهه‌ی بعد انقلاب نشان می‌دهد که اقدامات سلبی دیگر امروز جوابگو نیست و اولویت‌های مهم‌تری وجود دارد. به نظر می‌رسد آن مسئله اصلی که اکنون جریان دانشجویی باید برای آینده نیز در نظر داشته باشد و یک اولویت اساسی حساب می‌شود، این است که ضمن مطالبه‌ی تخصصی در زمینه‌های گوناگون، برای مشکلات کشور در حوزه‌های گوناگون فکر و برنامه داشته باشد. یعنی فراتر از مطالبه‌ی لازم از افراد و دستگاه‌های مختلف و یا برگزار کردن چند اردوی تشکیلاتی که البته در جای خود باید باشد، اما آن چیزی که می‌تواند جنبش دانشجویی را در جایگاه واقعی خود قرار دهد، این است که نسبت به حل مشکلات ریشه‌ای کشور راهکارهای تخصصی ارائه دهد. این نسبت به اقدامات سلبی قبل و بعد انقلاب کار بسیار سختی است. اینجا دیگر مسئله فرق می‌کند و شاید جو عمومی و هیجانی دانشگاه همراهی کمتری در این زمینه داشته باشد. یعنی اینکه من دانشجوی خودم را بگذارم جای یک مسئول، و تلاش کنم در زمینه‌ای تخصصی راهکارهای سلبی و ایجابی داشته‌ام، دست به کارهای سلبی هم می‌زنند؛ مثلا ماجرای تسخیر لانه‌ی جاسوسی. کاری که سلبی‌بودنش کاملا مشخص است و دانشجویها تشخیص می‌دهند که سفارت آمریکا را بگیرند،

۵- چه تصویری از آینده جنبش دانشجویی در راستای پیگیری تحقق عدالت دارید؟

جنبش دانشجویی در سال‌های اخیر به نظر کم فروغ شده و این کم‌تحرکی باعث شده که وارد مسائل جدی و پیچیده مانند عدالتخواهی نشود. اما جریان دانشجویی باید خود را احیا کند. زیرا کشور الان بیش از هر زمانی به عدالتخواهی نیاز دارد. بعضی از ساختارها باید اصلاح بشوند؛ مانند ساختار نظام بانکی، ساختار مالیاتی، ساختار بودجه که بی‌عدالتی را توسعه می‌دهند و موتور تبعیض هستند. اینها را باید اصلاح کرد و این اصلاح نیازمند یک جریان مطالبه‌گر جدی و خستگی‌ناپذیر است.



تا بتوانیم صادرات را بیشتر کنیم و در عین حال افزایش کشت داشته باشیم و...؛ خوب اینجا اگر تشکل به یک سلسله راهکارهایی رسید که اجرای آن می‌تواند مشکلی را از کشور حل کند، باید مثلا با کمیسیون کشاورزی مجلس، با نماینده‌ها، با وزیر کشاورزی و با نهادهای مرتبط جلسه بگذارند و مطالبه کنند؛ حرف بزنند و حرف آنها را بشنوند. هر کسی که مقداری کار دانشجویی کرده باشد می‌داند که چقدر در این کشور نهادهای مختلف دستگاه‌هایی وجود دارد که در حوزه‌های مختلف دخیل هستند، و اگر هیچ‌کدام همراهی نشان ندادند، رسانه مطرح و قابل دسترسی است.

مسکن مهر ایده دانشجویان بود

شاید اگر از هر فردی پرسیده شود که در چهل سال پس از انقلاب، بزرگترین و بهترین کاری که برای تأمین مسکن قشر ضعیف جامعه انجام شد چه بوده، هر انسان منصف و آگاهی می‌داند که جواب مسکن مهر است؛ مسکن مهر در دولت آقای احمدی‌نژاد شکل گرفت و کارهای بزرگی انجام شد، و از این جهت باید خدا قوت گفت به رییس جمهور و وزیر مسکن و مجموعه‌ی دولت که اراده کرد و این کار را انجام داد. به طوری که این طرح تبدیل به یک الگو شد و پس از سال‌ها از آن به عنوان الگو یاد می‌شود. هم آقای روحانی بعد از شش، هفت سال به این نتیجه می‌رسد که طرح مسکن اجتماعی را با الگوگیری از مسکن مهر انجام دهد، هم آقای رئیسی ادعا می‌کند که می‌خواهد همان را ادامه دهد. اما ایده‌ی مسکن مهر و آن افرادی که حول وزیر وقت آن موقع این کار را انجام دادند، جمعی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت بودند که در دوره‌ی دانشجویی خود روی این موضوع کار کرده بودند. این دانشجویان در حوزه مسکن دغدغه داشتند، ایده داشتند، به صورت تخصصی کار کردند، و بعدا که دولتی هم‌سو با خودش‌شان شکل گرفت، وارد وزارت مسکن شدند و فرصت انجام کار پیدا کردند؛ این دانشجویان فرصت‌های آزمون و خطا را انجام داده بودند و وقتی در دولت تأثیرگذار شدند شروع کردند به انجام کارشان. و در مجموع کاری تحت عنوان مسکن مهر را انجام دادند که اکنون یک الگو است.

اصلاح‌طلب و اصولگرایی که فعالیت دانشجویی ندارند، فرقی نمی‌کنند

یکی از علل اینکه بسیاری از مسئولین ما از اصلاح‌طلب تا اصولگرا بر سر کار می‌آیند و کارنامه‌ی کاری‌شان فرقی با هم ندارد، این است که اساسا فعالیت دانشجویی جدی نداشته‌اند؛ در محیط‌های ایزوله بوده‌اند و بعد هم بر اساس یک سری ارتباطات و رانت‌ها مقام و پستی به دست آورده، مانند قبلی‌ها عمل کرده‌اند و رفته‌اند. اما بچه‌های دانشجویی که فضاهای دانشجویی جدی را تجربه کرده‌اند و در حوزه‌های تخصصی کار کرده‌اند، وقتی که به جایگاه حکمرانی رسیدند، خیره و کارآمد شدند.

تجربه‌ی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در کنار رونق‌دهای انتقادی و سلبی، رویکرد ایجابی نیز بسیار مهم است و باید اولویت باشد و این رویکرد ایجابی زحمت دارد؛ هیجان و جذابیتش از رویکرد سلبی کمتر است و البته زحمتش خیلی بیشتر؛ فعالین دانشجویی باید روی این موضوع کار کنند و در نظرش‌ها و دغدغه‌های تخصصی خودشان صاحب‌نظر و متخصص شوند. بسی گمان این موضوع، آزمون و خطایی می‌شود برای روزی که همین دانشجویان بخواهند وارد فضای اثرگذاری جدی‌تر در کشور شوند که نتیجه‌اش هم، حل مشکلات کشور و مردم می‌شود.

۶- ظهور و بروز جنبش دانشجویی در سال های اخیر نسبت به عدالتخواهی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عدالتخواهی در سال‌های اخیر، مورد توجه جنبش دانشجویی قرار گرفته و به نظر می‌آید که برآمده از اهمیت این موضوع و از جهتی تغییر وضعیت عمومی زندگی مردم باشد. کشور در دهه اخیر، به طور ملموسی از لحاظ زندگی عمومی مردم و گسترش فقر و محرومیت، شرایط خاصی را تجربه کرد و به خودی خود وقتی از یک جهت افزایش فقر و محرومیت داشته باشیم و از جهت دیگر قله‌های ثروت را مشاهده کنیم، عدالتخواهی طرفدار پیدا می‌کند و مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین عدالتخواهی در سال‌های اخیر بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته و جریان دانشجویی نیز توجه بیشتری به آن کرده است.

۷- چگونه می‌شود بیسن حرکت های اصیل عدالتخواهی دانشجویی با حرکت های که خواستگاه غیردانشجویی یا تحت تاثیر یک جریان خاص سیاسی هستند تمایز و تفکیک قائل شد؟

این یک واقعیت است که از گذشته نیز برخی از مصداق‌های عدالتخواهی وجود داشته و توسط جریان‌های سیاسی دنبال می‌شد و هدف آنها تأمین مقاصد سیاسی بود. برای مثال افشاگری‌هایی که انجام می‌شد یا آشکار کردن فسادهایی از جریان رقیب؛ آنچه که وجه تمایز یک حرکت اصیل عدالتخواهی با حرکت سیاسی دارای رنگ و بوی عدالتخواهانه است، مسئله محوری و پیگیری مستمر عدالت توسط آن گروه است. اگر یک گروهی به صورت پیوسته



در گفتگو با فعالین دانشجویی به مناسبت روز دانشجو مطرح شده

پای درس دانشجو

۱۶ آذر ۱۳۳۲ نقطه‌های پرنگ از یک هویت بوده؛ هویتی که زیر بار ظلم و زور نمی‌رود، در پی حق است و ایستادگی می‌کند؛ حتی اگر به قیمت بزرگترین سرمایه‌هایش تمام شود! شاید کلمات، جسارت به تصویر کشیدن هویت دانشجویی با این ویژگی‌ها را نداشته باشند؛ ولی قطره‌های خون به حقی که مقابل جریان نیکسونی، در طی این سال‌ها ریخته شد، گواه خوبی بر این ادعاست. نیکسون این روزها، جرئت ندارد پایش را اینجا بگذارد؛ منتها سال‌هاست پشت میز ۵۰+، برای سرمایه‌های همان هویت ۱۶ آذری، نقشه می‌کشد؛ عده‌ای هم که پشت آن میز، آرزوهای نیکسونی را خاطره کردند؛ عزت فروختند، سیمان خریدند! احمدی‌روشن و فخری‌زاده تقدیم کردند. بماند! این روزها، جنس ظهور و بروز هویت ۱۶ آذری، متفاوت و تا حدی پیچیده شده است؛ در جامعه‌ای که نیکسون‌ها بیش از پیش قبله‌ی آرزوهای مردم شدند و شاید کلید حل مشکلاتشان را تنها در دست آن‌ها می‌بینند؛ ضمن پیگیری از دولت برای گشایش اقتصادی از راه‌هایی به غیر از مذاکره (که شرحش از بحث خارج است)، باید درصد تبیین برآمد.

با این وجود، باید حساسیت ویژه‌ای به روند مذاکرات داشت؛ تا تیم مذاکره‌کننده، ضمن حفظ دستاوردهای هسته‌ای و عدم ورود به دستاوردهای موشکی، لغو همه‌ی تحریم‌ها را در دستور کار قرار دهند.



فاطمه سادات هوشمند موسوی

مسئله‌ای که ۱۶ آذر را نسبت به بسیاری از رخدادها متمایز کرده، این است که جریان دانشجویی مسلمان بر خلاف بسیاری از سیاسیون و روشنفکران چپ و راست که یا خود در شکل‌گیری کودتا دخالت داشتند و یا با دولت کودتا کنار آمده بودند، برای مقابله با استبداد و استکبار وارد میدان شد تا آنجا که خوش، سنگ‌فرش‌های دانشگاه تهران را رنگین نمود. اهمیت این روز بعدها خود را در اتفاقاتی چون انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و برخورد دانشجویان با جریان‌های انحرافی و نفوذی در سال‌هایی چون فتنه ۷۸ و ۸۸ و تصویب لوایح استعماری FATF و برجام نشان داد؛ عمق تفکر دانشجویان تا جایی پیش رفت که پس از این واقعه هر جا احساس کردند خطری کشورشان را تهدید می‌کند در صحنه حضور یافتند. جنبش دانشجویی پرچم برفراشته در مبارزه با ظلم و استکبارستیزی است و نقطه عطف فعالیت دانشجویان در ۱۶ آذرماه سال ۱۳۳۲ بود که در آن زمان سنگ بنایی بر اساس استکبارستیزی گذاشته شد و تا امروز نیز ادامه دارد. به صورتی کلی حرکت استکبارستیزی در ایران از سال ۱۳۳۲ آغاز شد و اوج آن را در تسخیر لانه جاسوسی به تجلی رسید. امروزه مسئولین نباید این دانشجویان را فراموش کنند که زمانی توانستند استعداد بالقوه را بالفعل کنند و استکبارستیزی را در عمل نشان دهند. امروز مسئولین باید در مقابل زور گویی دشمنان خارجی بی تفاوت نباشند، امروزه مسئولیت مسئولین سخت و سنگین‌تر از دانشجویان سال ۱۳۳۲ است.



علی کریمی دوست

۱۶ آذر اعتراضی است آشکار، به زیرپا گذاشتن آن چیزی که خود آمریکایی‌ها سرمدار آن هستند. دانشجویان دانشگاه تهران علیه تصمیمات سیاستمداران نظامی اعتراض می‌کردند که مدعی دموکراسی بود ولی خود دولت دموکراتیک ملی برآمده از حمایت مردم را برای رسیدن به منافع مطلوب قربانی کرده بود.

دانشجویان در ۱۶ آذر می‌خواستند به نیکسون بگویند مگر نمی‌گفتید دموکراسی ایده آل ما بود چرا نمی‌گذارید ایده آنان در ایران هم اجرا شود؟! درس ۱۶ آذر آن است که بدانیم دشمن هیچ وقت مطلوبیت‌ها را برای ما نمی‌خواهد و حتی حاضر است ایده‌آل ترسیم شده بر نفس خودش، برای دیگران راه، قربانی کند تا به منافعش دست پیدا کند.

۱۶ آذر ۱۳۳۲ روز قربانی کردن ۳ آذر اهورایی معترض به کودتا علیه دولت دموکراتیک ملی مصدق توسط مهد دموکراسی دنیا، یعنی آمریکا است!

همان کشوری که هنوز کشورهای دیگر را با شعار دموکراسی می‌فریبد... ما مدت‌ها قبل فریب این ادعا را خورده ایم و آن را تجربه کرده‌ایم...



محمدحسین فریدی

با توجه به خیانت‌های غرب همچون حوادث ۱۶ آذر، «بی‌اعتمادی» و «بدگمانی» که از طرف کشور ما به آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها وجود دارد، عقلانی و کاملاً درست است. این عبرت را نه از دشمنی سال‌های گذشته آمریکا، بلکه از همین برجام دهه گذشته می‌شود فهمید؛ برای اینکه مشخص شد طرف‌های غربی فقط به دنبال منفعت خودشان هستند. با این حال در حالی که صدای مذاکرات نیز به گوش می‌رسد، باید اذعان کرد رسیدن به نتیجه‌ای «برد برد» در مذاکره با آمریکا ممکن است؛ در این میان، باید یادآور شد که بین ما و آمریکا بی‌اعتمادی زیادی وجود دارد؛ پس ابتدای کار، باید این سوءظن رفع شود، همچنین به نظر من یک راستی‌آزمایی نیز باید صورت بگیرد، یعنی به این شکل که تحریم‌ها باید لغو شود و همین لغو تحریم‌ها می‌تواند این بدگمانی ما به آمریکا را رفع کند و آن گاه است که تیم وزارت خارجه ما باید به فکر نتیجه‌ای «برد برد» باشد.

در هر صورت هر دولتی باید از گذشته عبرت گیرد، سیاستمداران کشورمان نباید همه موضوعات داخلی را به مذاکره با غرب گره بزنند، زیرا این موضوع کشور را بی‌برنامه می‌کند و در وضعیت فعلی، هر گونه وقفه‌ای در مسیر واقعی رشد کشور که از اوایل انقلاب به وجود آمده آسیب زاست.



میلاد صالحی

تجربه‌های تلخ و دروغ‌های شیرین مذاکرات هسته‌ای در چند سال گذشته اعتماد مردم را خدشه‌دار کرده و اکنون دانشجویان به نمایندگی از ۸۰ میلیون ایرانی به چیزی جزء نتیجه‌ای عملی قانع نشده و اجازه نمی‌دهند که سرنوشت کشور بار دیگر، دچار آزمون و خطا شود و به خطر بافتد.

آزمون و خطا با کسانی که دانشجویان، شخصیت‌ها و دانشمندان عزیزمان را ترور می‌کنند، مردم بی‌گناه را حتی از داروها و کوچکترین نیازهای بازار تحریم می‌کنند، کشورمان را در جامعه بین‌المللی با وعده‌های پوچ و دروغین به تمسخر می‌گیرند و در نهایت از قراردادهای شان با ما، چیزی جز یک کاغذ پاره به کشور نمی‌رسد.

انتظار دانشجویان به‌عنوان فرزندان این کشور که خود را مدیون خون شهدا و تلاش‌های تمام افرادی می‌دانند که از انقلاب تا اکنون از جان، مال و ناموس خود برای کشور هزینه کرده‌اند و هزینه‌ای نیز بر کشور تحمیل نکرده‌اند، این است که مبارزاتی بزرگ برای مقابله با فساد دوستان و رقبای خود در کشور و تلاشی شبانه روز برای گرفتن حقوق پایمال شده مردم از جامعه بین‌المللی صورت بگیرد. برای عبور از بحران اقتصادی فعلی و بازگشت تدریج و امیدوی واقعی به کشور باید نتیجه‌ای عملی و کاربردی صورت گیرد.



رضا پارسی



حسین احسانی زاده

۱۶ آذر هر سال به دانشجویان یادآوری می‌کند که در چه جایگاه مهمی قرار دارند و باید دنباله روی چه مسیری باشند.

یادآوری وقایع ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و شهادت دانشجویان، یادآوری خیانت‌ها و خیانت‌های غرب و استعمار نیز می‌باشد؛ شازدهم آذر هر سال بیشتر و بیشتر معنا پیدا می‌کند، زیرا با گذر زمان، برگ‌های جدیدی به این دشمنی‌ها افزوده می‌شود. دانشجویانی که پیرو آن خط بوده‌اند در این سال‌ها خود را در خط مقدم ظلم ستیزی و استکبار ستیزی دیدند.

هر گاه که مبارزه و واکنش به دشمنی‌های آمریکا و غرب مطرح بوده، تشکل‌های دانشجویی فعالانه ایفای نقش کرده‌اند. شاهد مثال این ادعا را می‌توان در وقایعی مانند ۱۳ آبان و همچنین دوران مذاکرات هسته‌ای در سال‌های اخیر پیدا کرد. تشکل‌های دانشجویی در حین مذاکرات بی در پی بر روند این ماجرا نظارت می‌کردند و مطالبه‌های لازم را مطرح می‌نمودند.

در هر حال ۱۶ آذر به ما دانشجویان یادآوری می‌کند که قدم در چه مسیر مهمی گذاشته‌ایم و پا جای پای چه کسانی نهاده‌ایم.

۵ آذر اعلام سفر نیکسون به ایران

پنجم آذرماه در اطلاعیه‌ای اعلام شد که ریچارد نیکسون، معاون رئیس‌جمهور آمریکا و همسرش به همراه هیاتی از همراهان ۱۸ آذرماه به تهران می‌آیند و اقامت سه‌روزه‌ای در ایران خواهند داشت و میهمان علی‌حضرت هماپونی خواهند بود. سفارت آمریکا در تهران با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «مسافرت نیکسون به ایران ارتباطی با مساله نفت ندارد.»

۱۴ آذر موج سوم اعتراضات دانشگاه

تجدید رابطه با انگلستان و اعلام سفر نیکسون به ایران باعث شد که اعتراضات دانشجویان به اوج خود برسد. روز چهاردهم آذر تظاهراتی به صورت پراکنده در مقابل دانشکده‌های دانشگاه تهران صورت گرفت؛ تظاهراتی که شاید خیلی با جمعیت بالا برگزار نشد اما به شدت سر و صدا به راه انداخت و روز بعد دامنه این اعتراضات به خارج از دانشگاه هم رسید، به طوری که اوضاع غیرعادی شد و تعداد بازداشت‌شدگان و مجروحان افزایش پیدا کرد.

۱۶ آذر دست نظامیان از دانشگاه کوتاه!

دولت در حد فاصل دو روز مانده تا سفر نیکسون به تهران تمام قوای خود را برای برقراری نظم در کشور خصوصاً دانشگاه به کار گرفت. شهربانی نیروهای لاسکر دوزخی را به فرماندهی تیمسار قنوی بختیار به داخل و خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران اعزام کردند. ساعت ۱۰ صبح نشده بود که دسته «جانان» نیروهای زرهی مسلح به اسلحه و سرنیزه وارد ساختمان دانشکده فنی شدند تا با دستگیری تعدادی از دانشجویان ترس را بر دل باقی‌نشانند. رنگ کلاس‌ها زودتر از موعد مقرر زده شد و دانشجویان که در حال خارج شدن از کلاس‌ها بودند با سربازان روبه‌رو شدند. دانشجویان می‌دانستند که در این شرایط نباید پنهان‌ای به دست نظامیان بدهند اما هجوم سربازان به داخل دانشکده‌ها برای دستگیری عده‌ای از دانشجویان که با خشونت آنان همراه شده و عده‌ای از دانشجویان را با سرنیزه زخمی کرده بودند، کاسه صبر یکی از دانشجویان را لبریز کرد و بلند فریاد زد: «دست نظامیان از دانشگاه کوتاه!» همین جمله کافی بود تا رگبار مسلسل‌ها دانشجویان را قلع و قمع کند.

۱۷ آذر اسامی شهدا

درحالی که سه تن از دانشجویان دانشکده فنی در درگیری‌های روز گذشته جان دادند، پرنسکی قانونی علت فوت این سه نفر را گزارش داد: «۱- مصطفی بزرگنیا دانشجوی دانشکده فنی بر اثر یک گلوله که از طرف راست قفسه سینه وارد شده و از زیر بغل چپ او خارج شده فوت کرده است. ۲- شریعت‌زوی دانشجوی مقتول دیگری به علت زخم سرنیزه فوت کرده است. ۳- مقتول دیگر احمد قندچی نام دارد و به علت اصابت گلوله‌هایی که وارد شکم وی شده و احشای داخلی را پاره کرده در گذشته است.»

۱۸ آذر سه قطره خون

دانشجویان به مناسبت سوم شهدای دانشجویی به دنبال برگزاری تظاهراتی در دانشگاه بودند، نیکسون به همراه همسر و هیات همراه وارد تهران شدند. یکی از مجلات منتقد دولت در سرمقاله تحت عنوان «سه قطره خون، نامه‌ای سرگشاده خطاب به نیکسون نوشت. در این مقاله ابتدا توضیحی درباره یک سنت قدیمی ایرانیان در استقبال از میهمانان خود آورد. سنتی که در آن ایرانی‌ها برای میهمانان گر آققدری که از سفرهای دور و دراز می‌آیند قربانی می‌کنند و بعد از آن خطاب به معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا نوشت: «آقای نیکسون وجود شما اقتدر گرامی و عزیز بود که در قدم شما سه نفر از بهترین جوانان این کشور یعنی دانشجویان دانشگاه را قربانی کرد.»

۲۱ آذر دکتری افتخاری به نیکسون

نیکسون در روز سوم و یابانی سفرش به ایران پای به دانشگاه تهران گذاشت. همان جایی که چند روز قبل دانشجویان را به رگبار بستند. جو التهاب و حکومت نظامی به گونه‌ای بود که ادارات، بانک‌ها، مدارس، شهرداری و... همه توسط نیروهای نظامی محافظت می‌شد. مراسم با شکوهی در استقبال از نیکسون در دانشکده حقوق برگزار شد. دولت کودتا که از هیچ تلاشی برای خوش خدمتی به نماینده رئیس‌جمهور آمریکا دریغ نکرده بود، نهایتاً دکتری افتخاری به وی اهدا کرد. آن هم در همان دانشگاهی که هنوز بوی خون دانشجویان معترض به سفر نیکسون به مشام می‌رسید.





رویارویی جنبش دانشجویی با دولت سیزدهم



حمزه دستیار
فعال سابق جنبش دانشجویی

پیش از هرگونه اظهار نظر درباره این سوره، باید مقدماتی راجع به این موضوع گفت. ذات آرمانخواهی و مطالبه‌گری جنبش دانشجویی یکی از مهم‌ترین اصول این جنبش است؛ دفاع از حق مردم و در اولویت قرار دادن حق وظیفه اصلی جنبش دانشجویی است و تفاوتی ندارد که چه نگاه و جریانی حاکم بر دولت باشد.

باید به این موضوع توجه داشت که با تغییر دولت‌ها نباید گفت‌مان جنبش دانشجویی تغییر کند. اما نکته قابل تامل این است که اکنون گفت‌مان عدالت در جنبش دانشجویی باید نسبت به سایر موضوعات در اولویت قرار گیرد. جنبش دانشجویی باید به موضوعات گوناگونی مانند موضوعات فرهنگی ورود داشته باشد اما تمرکز جریان دانشجویی با توجه به تأکیدات مهم مقام معظم رهبری باید بر مسئله عدالت باشد. اگر قرار باشد با تغییر دولت‌ها جنبش دانشجویی و گفت‌مان‌هایش نیز تغییر کند یعنی زمانی روحیه انتقادی و زمانی دیگر روحیه حمایتی و تبلیغاتی به خود می‌گردد. ماهیت خود را از دست می‌داد و هر چیزی که ماهیت خود را از دست دهد یا به ضد خودش تبدیل شود، از مسیر خارج می‌شود. وضعیت جمهوری اسلامی ایران و شرایط جامعه در این زمان به صورتی است که جنبش دانشجویی نباید سعی در تنش زایی بلکه باید سعی در حل مسئله داشته باشد. اگر مشاهده کرد که دولت، سیاست اشتباهی را در پیش گرفته، باید تذکر دهد، همان‌گونه که در تمامی دولت‌ها نیز به همین صورت بوده است.

جنبش دانشجویی در زمان‌های حساس و مهم باید آماده باشد و این توانایی را داشته باشد که در بزنگاه‌ها بگوید ما آماده هستیم تا با تمام توان به دولت کمک کنیم. اما نکته مهم این است که جنبش دانشجویی نباید کارمند دولت شود. همیشه به جنبش دانشجویی تهمت‌هایی وارد می‌شود، جنبش دانشجویی زمانی تندرو خطاب می‌شود و زمانی نیز متملق؛ این جریان باید متعادل را در این قضیه ایجاد کند به نوعی که نه از این لب‌بام بیفتد و نه از آن لب‌بام. جنبش دانشجویی طیفی نخبگانی است که بین مردم و سیاستگذاران قرار می‌گیرند و موضوعات تخصصی را به ساده‌ترین شکل، برای مردم بیان می‌کنند و اگر از جانب مردم خواسته‌های وجود داشته باشد، آن را به دولت و سیاستگذار انتقال می‌دهند.



سعید توانراد
مسئول اسبق فرارگاه جهادی معین

از آنجایی که دولت آقای رئیسی به اسم دولت انقلابی معرفی شده است، وظیفه مهم‌تری بر دوش جنبش دانشجویی می‌گذارد. این موضوع که دولت فعلی یک دولت انقلابی است و نباید به آن انتقادی شود زیرا دولت تضعیف می‌شود، موضوعی اشتباه است که جنبش دانشجویی نباید در دام آن بیفتد. به صورت کلی نباید در کشور، نگاهی غالب شود که هر گونه انتقادی به دولت انقلابی سبب تضعیف جریان انقلابی می‌شود. این نگاه ممکن است از طرف برخی محافظه کاران به جنبش دانشجویی انتقال پیدا کند که این جنبش باید مراقب این نگاه فریب‌کارانه باشد.

رو به روی این نگاه محافظه کارانه، که نقد را موجب تضعیف می‌بیند، جنبش دانشجویی اگر حریت خود را در نظر داشته باشد و همچنین جرئت، جسارت و شجاعت خویش را به کار گیرد، به این نتیجه می‌رسد که انتقاد نه تنها سبب تضعیف نمی‌شود بلکه این نقد نقدی لسلوزانه است و جنبش دانشجویی باید در نظر داشته باشد که اگر نقدی بیان می‌شود منصفانه باشد و همراه با راه حل و آمادگی برای کمک. اگر این شرایط رعایت شود هم محافظه کاران را آرام می‌کند و هم ضد انقلاب را.

چه دولت اصلاح طلب باشد و چه اصولگرا؛ بنای جنبش دانشجویی بر تخریب نیست، بلکه بنای آن حل مسئله است.

در ارائه یک راه حل باید مردمی بودن موضوع رعایت شود، مسئله‌ای اولویت‌دار باشد، رسانه‌زده نباشد و از کار گروه‌های تخصصی گذرانده شده باشد. اگر جنبش دانشجویی، خود توان پژوهش و درک کامل مسئله را ندارد، باید از کارشناسان و مشاوران مربوطه کمک گیرد تا به نتیجه درستی برسد.

کلام آخر: در دو سال اخیر به دلیل غیرحضوری شدن دانشگاه‌ها، ضربه بزرگی از حیث نیروسازی و کادرسازی به جنبش دانشجویی وارد شده است که نیازمند این است این دغدغه‌مندان جنبش دانشجویی هرچه سریع‌تر این موضوع را در اولویت قرار دهند و تمرکز ویژه‌ای را برای کادرسازی بگذارند زیرا که قدرت اصلی جنبش دانشجویی در استمرار این جنبش است.

مهم‌ترین موضوعی که پشتیبان جنبش دانشجویی است، تشکیلاتی است که آن را همراهی می‌کند؛ جنبش دانشجویی یک فرد نیست بلکه حاصل افکار جمعی افراد زیادی است که برای مسائل مختلف وقت می‌گذارند. در یکسال آینده انتظار می‌رود جنبش دانشجویی بتواند خلأیی که در این دو سال درگیر انقلابی به آن دانشجو می‌دهد.



فلسفه اردوهای جهادی در تشکیلات دانشجویی



چالش‌های دختران در تشکیلات دانشجویی

دخترانی مواجه خواهیم شد که پس از پایان دوران تحصیل، در حالی که با فعالیت در تشکیلات، رشد کردند و دغدغه‌هایی در آن‌ها به وجود آمده، بستر مناسبی برای خود نمی‌یابند.

چنین دخترانی یا دچار یأس شده و گمان می‌کنند که تمام وقتی که برای فعالیت تشکیلاتی صرف کردند، تباه شده، خسته می‌شوند و از ادامه مبارزه برای تغییر شرایط نامطلوب موجود، دست می‌کشند و یا از همان ابتدا این شرایط را پذیرفته و با ازدواج و فرزندآوری به زندگی خود ادامه داده و گاهی آنقدر در نقش‌های خانوادگی خود حل می‌شوند که اصلا یادشسان می‌رود زمانی در تشکل‌های خود، فعالیت سیاسی اجتماعی داشتند.

با این توضیحات، به این نتیجه خواهیم رسید که وضعیت تشکل‌های دانشجویی برای فعالیت سیاسی اجتماعی دختران بسیار مطلوب‌تر از شرایط جمهوری اسلامی است چرا که باز هم دختران با تمام ویژگی‌های خاص خود، جایی در ساختارهای تشکیلاتی دارند اما در ساختارهای جمهوری اسلامی، نه!

اگر معتقدیم زن و مرد در محیط خانواده مکمل یکدیگرند، باید بپذیریم که جامعه نیز به این نگاه تکاملی نیاز دارد. جامعه به «مردان» و «زنان» اندیشمند و سیاستمدار نیاز دارد. اگر بستر رشد تنها برای مردان فراهم است تا به جایگاه‌های اثرگذار در جمهوری اسلامی برسند و در راه تحقق آرمان‌های آن تلاش کنند، قطعاً چنین جامعه‌ای هیچ گاه به تکامل نخواهد رسید.

محدود کردن زنان توانمند و تحول‌ساز، در محیط خانه و نقش‌های مادری و همسری با الگوی ارائه شده توسط رهبری موسوم به «الگوی سوم» همخوانی ندارد و می‌تواند آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر در سال‌های آتی به جمهوری اسلامی وارد کند. پس هم لازم است در ساختارهای جمهوری اسلامی برای حضور و بروز هر چه بهتر زنان در عرصه‌های سیاسی اجتماعی مسئولیت در تشکیلات، در شود و هم در حوزه فرهنگی اقداماتی صورت پذیرد چرا که درست است که برای تغییر شرایط به تلاش زنان نیاز داریم اما اگر همراهی مردان در این مسیر نباشد، در بهترین حالت اگر بگوییم تحولی رقم نخواهد خورد، مسیر تحقق این تحول، بسیار طولانی‌تر خواهد شد.

گذر از این چالش‌ها قطعاً به همراهی آن‌ها نیاز است.

یکی از رسالت‌های تشکل‌های دانشجویی، رشد و تربیت نیروی جوان، نخبه، دغدغه‌مند و پویا برای خدمت‌رسانی به جمهوری اسلامی است. سوال اصلی اینجاست که آیا دختران و پسران به یک اندازه در تشکل‌ها جای رشد دارند و پس از پایان مسئولیت آن‌ها در تشکل‌های دانشجویی، هر دو به یک اندازه با فرصت‌ها و بسترهای فعالیت و حضور سیاسی اجتماعی مواجه هستند؟

بررسی و مقایسه‌ی میزان ظهور و بروز دختران و پسران در تشکل‌های دانشجویی، به این نتیجه خواهیم رسید که وضعیت تشکل‌های دانشجویی برای فعالیت سیاسی اجتماعی دختران بسیار مطلوب‌تر از شرایط جمهوری اسلامی است چرا که باز هم دختران با تمام ویژگی‌های خاص خود، جایی در ساختارهای تشکیلاتی دارند اما در ساختارهای جمهوری اسلامی، نه!

اگر معتقدیم زن و مرد در محیط خانواده مکمل یکدیگرند، باید بپذیریم که جامعه نیز به این نگاه تکاملی نیاز دارد. جامعه به «مردان» و «زنان» اندیشمند و سیاستمدار نیاز دارد. اگر بستر رشد تنها برای مردان فراهم است تا به جایگاه‌های اثرگذار در جمهوری اسلامی برسند و در راه تحقق آرمان‌های آن تلاش کنند، قطعاً چنین جامعه‌ای هیچ گاه به تکامل نخواهد رسید.

محدود کردن زنان توانمند و تحول‌ساز، در محیط خانه و نقش‌های مادری و همسری با الگوی ارائه شده توسط رهبری موسوم به «الگوی سوم» همخوانی ندارد و می‌تواند آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر در سال‌های آتی به جمهوری اسلامی وارد کند. پس هم لازم است در ساختارهای جمهوری اسلامی برای حضور و بروز هر چه بهتر زنان در عرصه‌های سیاسی اجتماعی مسئولیت در تشکیلات، در حالی که بسترهای فراوانی برای ادامه فعالیت‌های سیاسی اجتماعی پسران وجود دارد، دختران با یک سقف شیشه‌ای مواجه خواهند شد به این معنا که پس از پایان مسئولیت خود در تشکیلات، بستری را برای خود نمی‌بینند که بخواهند به فعالیت سیاسی اجتماعی خود ادامه دهند. در چنین شرایطی ما با



مهديه دهقان
دبیر سرویس زنان خرم‌خانه دانشجویان ایران

سوم» که توسط رهبری ارائه شد، راه اصلی را بر همگان روشن ساخت.

اگر بخواهیم از نقش دختران در جنبش دانشجویی سخن بگوییم، ابتدا باید به دو واژه «عضویت» و «عاملیت» بپردازیم. عضویت که به معنای حضور در یک گروه است، می‌تواند فعال یا منفعل باشد اما آنچه در این تعریف اهمیت دارد آن است که افرادی که در یک گروه عضویت فعال دارند، ملزم به اجرای تصمیمات افراد بالادستی خود یعنی افرادی هستند که در گروه، «عاملیت» دارند.

با بررسی حضور دختران در جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی، به این نتیجه خواهیم رسید که دختران تا پیش از دهه ۹۰، تنها در زمان‌هایی حساس و در گروه‌هایی خاص، عاملیت داشتند و در سایر موارد، تنها عضو فعال و یا منفعل یک گروه بوده‌اند.

برای مثال، در جریان تسخیر لانه جاسوسی، این دختران بودند که در صف اول این جریان حضور داشتند و اگر آن‌ها نبودند، ورود مردان به سفارت آمریکا امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین اینطور نبود که مردان وارد سفارتخانه شوند و سپس برای تعامل با زنان حاضر در آنجا، به حضور زنان نیاز پیدا کنند و از آنها یاری بجویند.

مقایسه‌ی این مثال با برخی تکروری‌های آقایان در بعضی تشکل‌های مردسالار که به تنهایی تصمیماتی را اتخاذ کرده و آن را به خروجی می‌رسانند، در حالی که دختران تشکل هیچ اطلاعی از این خروجی‌ها ندارند، نشان از تداوم عاملیت مردان در مقابل عضویت زنان در برخی تشکل‌ها دارد.

با گذر زمان و قدرت گرفتن برخی از جریانات فمینیستی در داخل ایران، دانشجویان نیز پرچم کلی نسبت به گذشته‌ی خود تضعیف شده است، به دنبال آن، فعالیت دختران نیز دچار تغییراتی مثبت و منفی شده که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

اگر چه زنان همواره در تحولات جامعه ایران، نقشی غیرقابل چشم پوشی داشته‌اند اما آنچه موجب رشد جایگاه زنان در جامعه‌ی مردسالار ایرانی و افزایش سهم آنان در مشارکت‌های سیاسی اجتماعی شد، انقلاب اسلامی و نگرش امام خمینی(ره) و هدایت به روزرسانی این جریان توسط مقام معظم رهبری است. علی‌رغم این آغاز روشن، راه زیادی تا رسیدن خاص دختران تشکل‌ها است، نه پسران؛ اما برای





نشریات دانشجویی محل تولید فکر در تشکیلات

خروجی‌هایی بی مهارت به جامعه تحویل دهد. زیرا که اعضای این تشکل فرصتی برای آزمون و خطای افکار خود ندارند و نمی‌توانند از فرصت اثرگذاری یک نشریه دانشجویی برخوردار باشند. به ویژه در دوره کنونی که عملاً تشکل‌های دانشجویی تبدیل به نهادهای رسانه‌ای شده‌اند و تشکلی موفق‌تر است که بتواند اثرگذاری بیشتری در رسانه داشته باشد.

از ابتدای دولت یازدهم با توجه به اینکه وزارت علوم تبدیل به یک بنگاه سیاسی شد، نشریه‌های دانشجویی تبدیل به ساختاری جهت سازماندهی نیروهای رادیکال وابسته به جریان سیاسی حاکم در کشور شد. سازماندهی این تشکیلات توسط معاونت فرهنگی وزارت علوم انجام می‌شد و آنها تلاش می‌کردند، فقدان یک تشکل سیاسی فعال را با سازماندهی فعالان نشریات دانشجویی جبران کنند. به همین دلیل به مرور زمان و با تغذیه مالی خوب، آنها توانستند که یک شبکه مخرب سیاسی را در دانشگاه‌های کشور به وجود بیاورند. به ویژه زمانی که معاون فرهنگی وقت وزارت علوم در ابتدای دولت دوازدهم، سعی داشت وزیر علوم شود و با استفاده از این شبکه، سلسله تجمع‌هایی در حمایت از خود در دانشگاه‌های کشور به راه انداخت.

با حضور تیم جدید وزارت علوم در دولت دوازدهم، این شبکه حمایت‌های خود را از دست داد و با یک حرکت تشکیلاتی از طرف فعالین تشکل‌های دانشجویی در سال ۹۸ جایگاهشان را در وزارت علوم هم از دست دادند.

انتظار می‌رود در وزارت علوم دولت سیزدهم یک حرکت جدی برای احیای فضای نشریات صورت گیرد.

شناسنامه

فصلنامه دانشجویان مستقل

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

علی خضریان

قائم مقام:

محمد رضا حیاتی

سرمدبیر:

مسلم خلخال

ویراستار:

میلاذ صالحی

روابط عمومی:

حسین احسانی زاده

همکاران:

سجاد باقری - پدram آقامرادی - محمدرضایی - شکوفه راشدی

ترتیب انتشار:

فصلنامه

زمینه انتشار:

سیاسی اجتماعی

چاپخانه: سازمان چاپ و انتشار دانشگاه آزاد اسلامی

آدرس: تهران، میدان فردوسی، خیابان ایرانشهر، پلاک ۲۶ واحد ۲

تلفن: ۰۹۳۷۰۷۴۸۵۵۰ - ۰۲۱۸۸۸۲۹۲۷۵



هیئت دانشجویی علمی، اصولی و مبنایی

به رسانه وجود دارد و مخاطب هم با این نگاه آشناست؛ این نگاه به رسانه در هیئت میثاق با شهدا فقط مربوط به مداحی نیست، به طور مثال اگر یک سخنرانی در حال ضبط شدن است و همزمان فردی از مقابل دوربین رد شد، ایرادی ندارد. طبیعت و اصل هر هیئتی نیز همین است، هر چند که همیشه تلاش می‌شود رسانه، منظم‌تر و بهتر، در خدمت هیئت باشد. به صورت کلی در هیئت میثاق تلاش می‌شود تا اقتضاعات رعایت شود اما به این صورت نیست که رسانه برای هیئت تصمیم بگیرد و محور این است که رسانه باید خود را با هیئت تنظیم کند. در این هیئت، اردوهای جهادی و برنامه اطعام مساکین نیز برگزار می‌شود. بعضی از مردم انتظاراتی دارند و از جهتی، هیئت هم ارتباطات خاص خود را دارد؛ به طور مثال پانی‌هایی با هیئت در ارتباط هستند و تلاش می‌شود که نیازمندی از هیئت و خانه امام حسین (ع) دست خالی بیرون نرود.

“ اصل در هیئت میثاق توسل و توجه است و اینکه هیچ کسی از در خانه اباعبدالله جدا نشود و زیر پرچم امام حسین (ع) باقی بماند. در قرآن شیوه‌ای وجود دارد به نام لطایف قرآنی، و در این هیئت هم بر حسب همین شیوه، قرآن با مدل خاصی ارائه می‌شود. در هیئت میثاق با شهدای دانشگاه امام صادق، تمرکز سخنران و مداح روی یک موضوع است مثلاً موضوع هیئت در محرم سال گذشته شهیدان زین‌العابدین بود. در خطبه‌ها، آداب زندگی شهدا به مخاطبان یاد داده می‌شد و در این هیئت مثل خیلی از هیئت‌های دانشجویی تلاش بر این است تا از ظرفیت دانشجویی مجموعه استفاده شود، در این میان آفتی ممکن است وجود داشته باشد. در هیئت میثاق با شهدا به هیچ وجه برای مداح از طریق رسانه، امتیازی گرفته نمی‌شود، بلکه باید شخص به جایگاهی برسد که رسانه به دنبالش بیفتد. در پوس‌تراها و بنرهای مراسم‌های هیئت، نه عکسی از مداح در پوس‌تر آورده می‌شود، نه اسمی برده می‌شود و نه صوتی پخش می‌شود و یک نظام منطقی برای تربیت مداح وجود دارد.

وقتی موضوع هیئت مشخص می‌شود، با اساتید زیادی مشورت انجام می‌شود، سپس با مداح و سخنران انتخابی، صحبت‌هایی صورت می‌گیرد و پس از جمع‌بندی کلیه‌ها آن موضوع را به شاعران می‌دهیم تا شعر بگویند. در این بین حتی دکور مراسم نیز در همین فضا است و در مجموع سعی می‌شود همه این موارد در یک موضوع واحد قرار گرفته شود.



مهدی تورانلو
مسئول هیئت دانشجویی میثاق شهدا

هر هیئتی الزاماتی دارد و باید به این مسئله توجه شود که مخاطبان هر هیئتی متفاوت است. هیئت میثاق شهدا سال ۱۳۶۹ در دانشگاه امام صادق تشکیل شد و تاسیس آن هم بر می‌گردد به افرادی که از جنگ برگشته بودند؛ این افراد چون دوستانشان شهید شده بودند و دل‌تنگ رفقای شهیدشان بودند، تصمیم گرفتند تا دوره‌م روضه بخوانند و این گونه هیئت میثاق شهدا تشکیل شد. دانشگاه امام صادق هم هیئتی خاص دارد و هم دانشجویانی خاص؛ این هم به علت گزینشی است که اتفاق می‌افتد. با وجود اختلاف نظرها اکثر دانشجویان از طیف خاصی هستند و حزب الهی خوانده می‌شوند. تعداد کم دانشجویان و هویت دانشگاه امام‌صادقی که بین بچه‌ها وجود دارد ممکن است در دانشگاه‌های دیگر نباشد؛ علت آن هم شاید حضور زیاد دانشجویان در دانشگاه است. آن‌ها حداقل ۷ یا ۸ سال درس می‌خوانند و سال‌های زیادی را در کنار هم می‌گذرانند. هیئت‌های دانشجویی طبیعتاً با هیئت‌های محلی متفاوت است. از این جهت که هیئت‌های دانشجویی ساختاری دارد که از اهداف اصلی آن تربیت و رشد دانشجویانی است که در هیئت کار می‌کنند. چون این هیئت‌ها در بستر دانشگاه و یک مکان علمی است، مباحثی که در سطح هیئت‌های دانشگاهی مطرح می‌شود با مباحثی که در هیئت‌های محلی مطرح می‌شود متفاوت است. در این هیئت‌ها هم دانشجویان شرکت می‌کنند و هم اساتید و کارکنان دانشگاه شرکت می‌کنند. از سویی دانشجویان مذهبی هستند و در منبرهای بیرون شرکت کرده‌اند و دروس معارف اسلامی را خوانده‌اند و منبرهای معمولی و عرف جامعه برایشان عادی است. لذا سطح جلسات علمی، اصولی و مبنایی‌تری می‌باشد و اساتید هم که در آن شرکت می‌کنند، نقد می‌شوند. دانشگاه باید محلی به روز باشد؛ باید به وقایع روز جامعه واکنش نشان دهد، لذا مباحث سیاسی نیز در آن مطرح است. در هیئت دانشگاه امام صادق همه اعتقاد دارند که هیئت باید دینی باشد؛ یعنی دین را از سیاست جدا نباشد و به مباحث سیاسی اشاراتی شود و تحلیل‌هایی نسبت به اتفاق‌های روز صورت گیرد.

سخنران‌ها در هیئت میثاق با شهدا به صورت سلسله موضوعی دعوت می‌شوند، در بعضی از زمان‌هایی که سخنران‌ها حرف‌های همدیگر را نقد می‌کنند، یک تیم محتوای هر جلسه را آماده می‌کند و متن و فیلم جلسه را برای سخنران می‌فرستد تا بداند چه حرف‌هایی زده شده و باعث شود که سخنران‌ها برای خودشان اهمیت پیدا کند. از طرفی متن سخنرانانی که در جلسه‌های متوالی صحبت کرده و یک موضوع را به صورت منطقی و متفق در هیئت پیش برده می‌شود و با توجه به آن موضوع تبدیل به یک کتاب می‌شود. یکی از تریبون‌های دانشجویی، نشریه است. هیئت میثاق نیز فصل‌نامه‌ای دارد و هر بار به موضوعات مختلفی می‌پردازد؛ در این نشریه مصاحبه‌هایی با اساتید برتر صورت می‌گیرد و افراد متخصص در هر حوزه‌ای هم در نشریه نقش دارند. در هیئت میثاق با شهدا نگاه خاصی